

با مصوبه شورای اجتماعی محله شهید قربانی از ۵۰ پرستار کم نام و نشان محله قدردانی شد

شبی برای فداکاران خاموش محله

● ○ قدردانی از ۵۰ قهرمان بی نام و نشان

حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد رضا زاده، رئیس شورای اجتماعی محله شهید قربانی، در حاشیه مراسم تجلیل از پرستاران مراکز بهداشت و پرستاران بی نام و نشان این محله می گوید: شورای اجتماعی محله مادر و جدید خود را حدود هفت ماه پیش خود را آغاز کرده و در این مدت مصوبات مختلفی برای ارتقای وضعیت فرهنگی و اجتماعی محله داشته است. یکی از مصوباتی که در نشست ماه گذشته با نظر اعضای شورای تصویب شد، برگزاری مراسمی به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) برای قدردانی از پرستاران و افرادی بود که در این محله زحمت می کشند و کمتر دیده می شوند. او ادامه می دهد: با بررسی ها و تعاملاتی که با مراکز بهداشت محله داشتیم، تصمیم گرفتیم علاوه بر پرستاران رسمی مراکز درمانی، از افرادی هم که در خانه های خود پرستار عزیزانشان هستند، قدردانی کنیم؛ کسانی که از پدر یا مادر سالمند، فرزند معلول یا همسر جانباز مراقبت می کنند. پس از شناسایی این افراد، امشب در مراسمی که در فرهنگ سرای انقلاب اسلامی برگزار شد، از ۵۰ نفر از این پرستاران بی نام و نشان تجلیل رضا زاده در پایان اضافه می کند: این مراسم فقط یک تجلیل ساده نبود، بلکه تلاشی بود برای پیوند بیشتر میان مردم و کسانی که بی منت در کنارشان خدمت می کنند. قدردانی از این افراد، در واقع تجلیل از روح انسان دوستی، فداکاری و مسئولیت پذیری است. باور داریم همین توجه های کوچک می تواند دل های زیادی را گرم کند و انگیزه ای شود برای ادامه مسیر مهربانی و خدمت در محله شهید قربانی.

می گوید: من پرستار پسر هستم؛ هرکاری از دستم برآید، برایش انجام می دهم. خدا خودش هوایم را دارد. همین که سلامتی را به من داده، شکرش را به جامی آورم. کمی مکث می کند، نگاهی به صحنه می اندازد و ادامه می دهد: ممنونم از کسانی که این برنامه را تدارک دیدند و دل ما را شاد کردند. خدا هم دلشان را شاد کند. پرستاری از بیمار کار سختی است؛ از خدایم خواهم به همه صبر بدهد. در ادامه مراسم، کلیپ کوتاهی از خانه او و حسین، پسرش که روی تخت دراز کشیده است، پخش می شود و بعد هم مجری، او و همسر جانبازش را به روی جایگاه دعوت می کند و از آن ها قدردانی می کنند.

فیضی همه صندلی های سالن آمفی تئاتر فرهنگ سرای انقلاب اسلامی پر شده است و دیگر جای سوزن انداختن نیست. پرستاران محله شهید قربانی آمده اند؛ بعضی هایشان با همسر بیمارشان که روی ویلچر نشسته، بعضی هم در کنار همسر جانبازشان و برخی نیز همراه خانواده هایشان. صدای همه همهمه و لبخند فضا را پر کرده است. مجری هر از گاهی بار وایت هایی از فداکاری و از خودگذشتگی پرستاران، دل ها را می لرزاند و گاهی هم با جمله ای، لبخند را روی لب مهمانان می نشاند. امشب، فرهنگ سرانگ دیگری دارد؛ پر از مهر و قدرشناسی از قهرمانانی که کمتر دیده می شوند، همان پرستارانی که بی ادعا، بادل و جان، مرهم درد بیماران و مایه آرامش مردم این محله اند.

● ○ بی بی رباب، پرستاری از جنس صبر

درمیان جمع پرشور پرستاران، یکی از میهمانان ویژه برنامه، بی بی رباب حسینی است؛ مادری که نامش برای اهالی محله یادآور صبر است. شانزده سال پیش، درست وقتی هوا گرگ و میش بود، حادثه ای تلخ، زندگی او را دگرگون کرد. کامیون حمل زباله با اتوبوسی برخورد کرد و در آن حادثه، پسر پاکبانش، حسین، قطع نخاع شد. از آن روز تا امروز، بی بی رباب مثل پروانه دور پسرش می چرخد؛ بی هیاو، بی منت و بادل راضی. لبخند آرامی بر لب دارد و وقتی از او درباره این سال های پر سیم، با صدا بی آرام



نوجوان رزمی کار محله عباس آباد، به زودی راهی مسابقات کشوری می شود

مطمئنم طلا می گیرم

امید محله

فرزانه شهامت | سیزده مدال رنگارنگ، حاصل فعالیت های نرگس مرادیان در رشته ای ورزشی و کمتر شناخته شده است. امید محله عباس آباد، چهارده سال دارد و شش سال است که در رشته پنچاک سیلات، حرکات نمایشی و نیز فنون مبارزه با حریف را می آموزد. او که صاحب کمر بند قهوه ای است، اواخر شهریور امسال، در مسابقات انتخابی کشور، موفق به کسب مدال طلا شد و این موفقیت، امید و انگیزه اش را برای ادامه این هنر رزمی، دوچندان کرد.

● ○ اگر بخواهی رشته پنچاک سیلات را معرفی کنی، چه می گویی؟

پنچاک سیلات یک ورزش رزمی جذاب است. هم مبارزه دارد، هم دفاع و هم حرکات نمایشی. منشأ این رشته، کشور اندونزی است. آن اوایل که وارد ایران شد، در تهران بیشتر مورد توجه بود، بعد در استان گلستان و بعد هم خراسان رضوی. رشته ما وارد مسابقات جهانی هم شده است و چند وقت پیش مسابقات آسیایی آن در بحرین برگزار شد. ● ○ در این مسابقه حضور داشتی؟ تا جایی که خبر دارم، رده سنی جوانان، اجازه حضور در مسابقات را داشتند و سن من کم بود.

● ○ چه شد که از میان انواع هنرهای رزمی به سراغ پنچاک سیلات رفتی؟

وقتی کلاس دوم ابتدایی بودم، یکی از هم کلاسی هایم به اسم حدیثه گفت که در این رشته ثبت نام کرده و چه

● ○ آماده ای؟ بله و مطمئنم که مدال می گیرم. ● ○ از سختی های این رشته بگو، مثلاً از آسیب دیدگی هاییش. خدا را شکر مورد خاصی نبوده است. در حد کشیدگی تاندون پا، ضرب خوردن انگشت پا و آسیب جزئی لگن. در همین مسابقه آخر هم منچ پایم شکست که البته الان خوب شده است. ● ○ با این شکستگی، چطور در مسابقه اول شدی؟ وسط مبارزه متوجه شدم که منچ پایم درد گرفت. ولی مبارزه را رها نکردم، ادامه دادم و مدال طلا گرفتم. آن موقع بدنم گرم است و چندان متوجه ماجرا نمی شوی. ● ○ با این تلاش ها و زحمات ها، می خواهی با پنچاک سیلات به چه هدفی برسی؟ دوست دارم کمر بند مشکی بگیرم و آن قدر حرفه ای بشوم که بتوانم به دیگران هم آن را یاد بدهم، مثل مربی خوبم، خانم مرضیه کامیاب. ● ○ مشوق های اصلی ات چه کسانی هستند؟ اول از همه خودم هستم و علاقه زیادی که به این رشته دارم. رضایت مربی ام و حمایت های مادر هم به من انگیزه می دهد. ● ○ توانسته ای کسی را جذب ورزش کنی؟ بله، دختر دایی ام هم به ورزش علاقه مند شده است. او الان در رشته کونگ فو فعالیت می کند. ● ○ هم کلاسی هایت چطور؟ راستش هم کلاسی ها و مسئولان مدرسه، تا حدودی از ورزشکار بودنم خبر دارند اما موفقیت هایم را با جزئیات با آن هادر میان نمی گذارم. ● ○ چرا؟ ورزش در سطح قهرمانی، باعث می شود متفاوت از بقیه به نظر برسی. من این متفاوت بودن را دوست ندارم و دلم می خواهد همرنگ و شبیه بقیه بچه های مدرسه باشم؛ برای همین از مدال طلا ی اخیرم چیزی نگفتم ام.

خوب است که من هم همراهش بروم. قبول کردم و با هم شروع کردیم. دو ستم چند ماه آمد تمرین و وقتی کمر بند زردش را گرفت، دیگر نیامد اما من خیلی علاقه پیدا کردم و ادامه دادم. ● ○ برنامه تمرین هایت چطور است؟ هفته ای سه بار عصرها، در مسجد جواد الائمه (ع) برنامه تمرین دارم که در طبرسی شمالی ۱۲ است. الان که ایام مدرسه است و شیفتم بین صبح و عصر تغییر می کند، با هماهنگی مربی ام روزهای جمعه تمرین می کنم. نزدیک مسابقات است و نباید تمریناتمان کم شود.

● ○ درباره مسابقات اخیر بیشتر بگو.

شهریور امسال، مسابقات انتخابی کشور را شرکت کردم و اول شدم. اواخر همین ماه یا اوایل ماه بعد، مسابقات کشوری برگزار می شود، بین قهرمانان استان های مختلف.

